

الهیات تطبیقی (علمی پژوهشی)

سال پنجم، شماره دوازدهم، پاییز و زمستان ۱۳۹۳

ص ۱۱۱-۱۲۶

## نگاهی به ردیه‌نویسی بر مسیحیت در حوزه آذربایجان

حسن امینی فر\* منصور معتمدی\*\*

### چکیده

ردیه‌نویسی متکلمان مسلمان بر مسیحیت، تاریخی به درازای اولین مواجهات این دو دین دارد. در قرون اخیر، همسویی مبلغان مسیحی با استعمار و تشدید فعالیت‌های تبلیغی ایشان، به واکنش جدی علمای مسلمان انجامید. این پدیده در ایران؛ به ویژه از زمان قاجار (۱۵۰ سال اخیر) به بعد نمود خاصی پیدا می‌کند و ما شاهد آثاری از متکلمان مسلمان هستیم که در برابر تبشیر و تبلیغ مسیحیت ردیه‌هایی نوشته‌اند. از میان مناطق مختلف جغرافیایی ایران که در آنها آثاری در این زمینه به نگارش درآمده است، می‌توان ناحیه‌ای را با عنوان «حوزه آذربایجان» در نظر گرفت و حتی می‌توان گفت که در ردیه‌نویسی، این حوزه در ایران فعالتر از سایر مناطق بوده است. در این مقاله زندگی و آثار ردیه‌ای ردیه‌نگارانی، چون: محمدصادق فخرالاسلام، حاج میرزا نجفعلی دانش تبریزی، یوسف مجتهد تبریزی، غلامحسین توتونچی صراف تبریزی، حسین حسینی، ملقب به رومی میانداوبی، اسماعیل قره‌باغی، سیدحسین عرب‌باغی و علی آل‌اسحاق خوئینی بررسی شده‌اند. همچنانکه خواهد آمد، موقعیت جغرافیایی این حوزه و وجود فرقه‌های مختلف مسیحی در آن و بروز شخصیت‌های تأثیرگذاری، چون: فخرالاسلام، صنعت عظیم چاپ، تألیف کتاب *میزان‌الحق* به قلم میسیونر پروتستانی فاندرو در نهایت، روشنگری و بیداری دینی و علمی متکلمان مسلمان و ... زمینه‌ها و بسترهای خلق این آثار بوده‌اند.

### واژه‌های کلیدی

آذربایجان، اسلام، مسیحیت، ردیه، دفاعیه

## مقدمه

## ورود مسیحیت به ناحیه آذربایجان و نخستین

## اجتماعات آن

آذربایجان به معنای متعارف آن شامل نواحی وسیعی از شمال غرب کشور ایران و خود کشور آذربایجان کنونی و حتی قسمت‌هایی از ارمنستان می‌شود. لذا برای بررسی اولین اجتماعات مسیحی باید تمام این مناطق را در نظر گرفت. مردم سرزمین ارمنستان پس از ظهور مسیح رفته رفته پیرو کیش مسیح شدند. این ناحیه در زد و خورد‌های تاریخی بین حکومت‌های ایرانی و رومی و بعدها عثمانی و صفوی دست به دست شده است. نخستین پایه‌های کلیسای ارمنی را دو تن از حواریون عیسی به اسامی بارتلمی (Barthelemy) و تاده (Thadee) گذاشتند و کار آن دو با فعالیت عده‌ای از مبلغان مسیحی سوریه که از منطقه ادسا (رُها، اورفۀ کنونی) آمده بودند، ادامه یافت. در سال ۳۰۱م. با کوشش گریگوری مقدس این کیش رسمیت یافت و ابتدا کلیسای اوچمیازین و پس از آن کلیساهای متعددی تأسیس گردید (دیباچ، ۱۳۴۵: ۲۶-۲۳؛ پاسدر ماجیان، ۱۳۷۷: ۱۹-۱۱۸). از این رو، از پیش از اسلام دو اقلیت مذهبی آرامنه و کلدانیان (آسوریان) در این ناحیه وجود داشتند.

**ارامنه:** غرب ایران؛ به خصوص آذربایجان غربی از گذشته‌های دور از مراکز انتشار مذهب مسیح بود؛ زیرا اکثر کلیساهای کهن و معروف ایران مانند طاطاوس و یا تادی مقدس، معروف به قره کلیسا در جنوب شهرستان ماکو (سده ششم م)، کلیسای استپانوس در جلفای ارس (سده نهم میلادی) کلیسای سرکیس در خوی (سده دوازدهم م) و کلیسای هریپیمه در مرزومبار، نزدیک تبریز (سده دوازدهم م)، و کلیساهای متعدد در سلماس، مرند، و ... قرار داشتند (مشکور، ۱۳۴۹: ۱۹۵-۱۹۶). در طی جنگ جهانی اول (۱۹۱۷م) دولت عثمانی عده کثیری از

ارامنه را به علت حمایت از متفقین (انگلیس و روسیه) قتل عام کرد. گروهی از آنان به ایران پناه آوردند و در آذربایجان و نقاط دیگر ساکن شدند و به همکیشان خویش افزودند. مذهب ملی ایشان گریگوری است. اینان علاوه بر آذربایجان، در تهران، خوزستان، اصفهان و ... پراکنده‌اند (همان: ۱۹۶-۱۹۷).

## آسوریان یا کلدانیان آذربایجان:

اینان بقایای ملت قدیم کلدانه هستند که از دو هزار و پانصد سال پیش در ایران زندگی می‌کنند. آسوری‌ها در دوره اشکانی و ساسانی قبول دین مسیح (ع) کردند و به یکی از مذاهب قدیم آن؛ یعنی نسطوری درآمدند. در اواسط قرن پنجم میلادی (۴۳۰م) کلیسای نسطوری یا کلیسای مسیحیان ایران تشکیل شد که رئیس مذهب آنها «مارشمون» نام داشت (فیلد، ۱۳۴۲: ۷۹۳). اینان پس از جنگ جهانی اول بر اثر فشار ترکان عثمانی پراکنده شدند و گروه بسیاری از آنان در آذربایجان غربی؛ به ویژه در ناحیه ارومیه و سلماس و خوی سکونت یافتند (منشی-امیر، ۱۳۶۰: ۳۱۰). کلیسای اینان در ارومیه به نام «مات مریم» (ننه مریم) موجود است. البته، گروهی از اینان بر اثر تبلیغات مبلغان مسیحی به مذاهب پروتستان و کاتولیک گراییدند (مشکور، ۱۳۴۹: ۱۹۹-۲۰۰). هسته مرکزی آسوریان هنوز در ایران قرار دارد. اکنون آنها در ایران، در امنیت زندگی می‌کنند و همراه با سایر هم‌میهنان خویش به کار و کوشش مشغولند. جمهوری اسلامی ایران حقوق قومی آنها را محفوظ داشته و در مجلس شورای اسلامی نماینده‌ای خاص خود دارند (جلالی مقدم، ۱۳۰۷: ۳۷۰).

## زمینه‌های نگارش ردیه‌های حوزه آذربایجان

ردیه‌نویسی در حوزه آذربایجان در خلأ پدید نیامد؛ بلکه عوامل و زمینه‌های چندی موجب این امر شد. در اینجا به مهمترین این عوامل اشاره می‌کنیم:

بازل را تأسیس کردند. فاندِر به اتفاق ف. هاس به شهرها رفتند و ترجمه‌های انجیل را توزیع کردند (واترفیلد، ۱۹۷۳: ۸۸). سرمبلغ هیأت آمریکایی نیز پرکینز (Perkins) بود که پس از یادگیری زبان ترکی در تبریز به همراه گرانت (Grant) در آغاز سال ۱۸۳۶م. ارومیه، مراکز تبلیغی و تعلیمی تأسیس کردند و در کلیسا به ترویج زبان ترکی به خاطر یکدست کردن زبان مخاطبان‌شان برای ترجمه‌های انجیل، مشغول شدند و انجیل و نشریات مذهبی را به همین زبان چاپ و توزیع کردند (منصوری، همان: ۵۲۲). پس از پرکینز، ساموئل ری، متصدی و مسؤول امور ارامنه منطقه بود (همان: ۵۲۴-۵۲۵). البته، ناگفته نماند عباس میرزا (۱۲۴۹-۱۲۰۳ق) ولیعهد فتحعلی شاه و والی آذربایجان، تا زنده بود به مبلغان مسیحی اجازه فعالیت نمی‌داد و حتی فاندِر را جاسوس روس می‌دانست. بعد از فوت او به تدریج، میسیونرهای بازل از قره باغ (شوشی) و چند ماه بعد پرکینز از استانبول وارد تبریز شدند (همان: ۵۳۶-۵۳۷).

۲- موقعیت جغرافیایی این حوزه به جهت واقع شدن در مرزهای غربی و شمال غربی کشور پهناور ایران محل تلاقی فرهنگ‌های دینی و ملی مختلف بوده است. در بُعد دینی به جهت نزدیکی و مجاورت با کشورهای اروپایی و مسیحی‌نشین و همچنین، ورود میسیونرهای مسیحی نخست به این منطقه، متعاقباً برخوردهایی هم از جانب علمای مسلمان این منطقه داشته که در قالب خلق چنین آثاری خود را نمایان ساخته است.

۳- وجود و بروز شخصیت برجسته محمدصادق فخرالاسلام هم در این فرایند بی‌تأثیر نبوده است. فخرالاسلام به عنوان یک «جدیدالاسلام»، بعد از اسلام آوردن نسبت به کیش سابق خود؛ یعنی مسیحیت با تألیف رده‌ی و انجام مناظره با کشیشان مسیحی به دفاع از اسلام پرداخته بود. علمای اسلام هم به جهت ارتباط نزدیک با

۱- فعالیت شدید مبلغان مسیحی که از دوره صفوی به صورت گسترده‌ای به واسطه طرح اتحاد صفویه- غرب علیه عثمانی صورت گرفته بود. در این راستا، مبلغان فرقه‌های مختلف مسیحی<sup>۱</sup> در شهرهای مختلف، مانند: تبریز، اصفهان، شیراز با روحیه‌ای تهاجمی فعالیت داشتند (ثواقب، ۱۳۷۹: ۲۱۷-۲۱۸). این روند پس از فروریختن صفویه تا قوام دولت قاجاریه مدتی متوقف گردید؛ اما پس از استواری قاجاریه چون که ایران در آن روزگار از لحاظ سیاست بین‌المللی اهمیت فراوان یافته بود، سیل ورود مبلغان مسیحی آغاز شد. هنری مارتین (Henry Martyn) کشیش سرشناس انگلیسی در اوایل سده نوزدهم م. از این افراد بود که برای تبلیغ مسیحیت به ایران آمد. چند سال پس از وی در سال ۱۸۶۹م. انجمن تبلیغی کلیسا (CMS) (Church Missionary Society) به صورت عامل اصلی میسیونری انگلیس در ایران درآمد. اولین گروه کشیش‌های انگلیسی در سال ۱۸۸۵م. به ارومیه رسیدند که دو مدرسه در ارومیه و دو مدرسه در حومه آن تأسیس کردند. در سال ۱۸۹۰م. چهار راهبه به این میسیون پیوستند و مدارس دخترانه نیز تأسیس شد (نوایی، ۱۳۷۰: ۴۳۹-۴۴۰).

علاوه بر مبلغان مسیحی انگلیس، میسیون بازل و هیأت مبلغان آمریکایی نیز فعالیت داشتند. در سال ۱۲۴۴ق/۱۸۲۹م. دو کشیش آمریکایی به نام‌های اسمیت (Smith) و دوایت (Dwight) از طرف میسیون بازل برای بررسی وضع عیسویان آذربایجان در شهرهای خوی، سلماس، ارومیه و ... فعالیت تبلیغی داشتند (همان: ۲۳۱-۲۳۲). از دیگر مبلغان این میسیون می‌توان به ژوزف ولف (Joseph Wolf)، زارمبا (Zarembo)، دیتریش (Dietrich)، فاندِر (Pfander) و غیره اشاره نمود (منصوری، ۱۳۸۷: ج ۲، ۵۰۳). اعضای این میسیون در سال ۱۸۳۲م. در تبریز با اخذ فرمان از دولت، مدرسه میسیون

او و بعضاً با استفاده از مطالعه آثار و نظریاتش، به رد مسیحیت پرداخته‌اند و از این جهت فخرالاسلام در تشجیع و تحریک مسلمانان به این سمت نقش بسزایی داشته است.

۴- توجه و اهمیت حکومت به تألیف چنین آثار و حمایت آن از فعالیت علمای مسلمان نیز در این روند بی-تأثیر نیست. چنانکه لقب فخرالاسلام را ناصرالدین شاه به محمدصادق اعطا کرد و او هم به دستور و حمایت شاه کتاب *انیس‌الاعلام* را نگاشت. تعریف و تمجیدهای بعضی از این ردیه‌نگاران مانند فخرالاسلام (*بیان‌الحق*، ج ۱: ۵-۱۰)، حسین حسینی (*الحق‌المبین*، ب ۴) و اسماعیل قره باغی (*مشکوة المسلمین*، ۳) از ناصرالدین شاه و مظفرالدین شاه نیز بیانگر این مطلب است. اقدام عباس میرزا به عدم جواز تبلیغ مبلغان مسیحی، راه را برای تألیف ردیه و واکنش علمای مسلمان هموار کرد (منصوری، ج ۲: ۳۷-۵۳۶).

۵- تبریز را می‌توان در برخی زمینه‌ها شهر اولین‌ها خواند: صنعت چاپ یکی از صنایعی بود که ابتدا در این شهر ایجاد شد. عباس میرزا، میرزا زین‌العابدین تبریزی را مأمور فراگیری فن چاپ و به راه انداختن نخستین چاپخانه سربی در تبریز کرد. میرزا زین‌العابدین به سال ۱۲۳۳ق/۱۸۱۸م. اسباب و آلات «باسمه‌خانه، طیوگرافی»؛ یعنی چاپ حروفی را به تبریز آورد و تحت حمایت عباس میرزا مطبعه کوچکی برقرار کرد. چند سال بعد میرزا صالح شیرازی- دانشجوی گسیل شده به خارج- در بازگشت از انگلستان اجناس چاپ‌سازی و دستگاه کوچکی به تبریز آورد (آرین‌پور، ۱۳۷۲، ج ۱: ۲۳۱-۲۳۰). البته، به همین منظور نخست به امر عباس میرزا، هم از ایران کسانی برای آموختن فن چاپ و تهیه ابزارهای چاپ به خارج فرستاده شدند و هم شخصی به نام ادوارد برجس (مشهور به برجیس) را برای آموزش فن چاپ و

تأسیس چاپخانه به ایران دعوت کردند (آدمیت، ۱۳۵۴: ۳۷۴). پیدایی صنعت عظیم چاپ، به خودی خود طبع و نشر آثار ردیه‌ای را سهل نمود و مؤلفان موفق به ارائه آثار قلمی خود بودند.

۶- تألیف کتاب میزان‌الحق<sup>۲</sup> به دست میسیونر پروتستانی فاندنر (۱۸۶۵-۱۸۰۳م) که بیشترین موج ردیه‌نویسی را هم در آذربایجان و هم در دیگر نقاط ایران زمین و حتی در دیگر کشورهای اسلامی برانگیخت. فاندنر اولین نماینده میسیون بازل در ایران بود. او در سال ۱۲۴۸ق/۱۸۳۲م. در تبریز به مدت چند ماه اقامت کرد و با فعالیت‌های خود، اطلاعات لازم برای سازماندهی کار میسیونری ایران را در اختیار میسیون قرار داد (والدبورگر، ۱۳۷۹: ۵۴). او در کار تبلیغی خود کتاب‌های *مفتاح‌الاسرار*، *حل‌الاشکال*، *اظهارالدین‌النصرانی*، *طریق‌الحیة* و *میزان‌الحق* را نگاشت. فعالیت این میسیون به دلیل واکنش علما و مردم، پس از چهار سال فعالیت متوقف گردید. در چنین حالتی فاندنر و دیگر مبلغان بازل برای فعالیت در هندوستان به خدمت «انجمن تبلیغی کلیسا» درآمدند (همان: ۱۸۶-۱۸۷). فاندنر با توزیع میزان‌الحق و فعالیت‌های تبلیغی‌اش در هند، از طرف شیخ رحمت‌الله هندی (د. ۱۳۰۸ق) به مناظره دعوت شد. سرانجام در این مناظره فاندنر شکست خورد و برای همیشه هند را ترک گفت. کتاب *اظهارالحق* رحمت‌الله حاصل این مناظره است (از برخورد تا گفتگو...، ۲۲۸-۲۲۹).

#### معرفی ردیه‌نویسان بر مسیحیت در حوزه آذربایجان

##### ۱- محمد صادق فخرالاسلام

میرزا محمد صادق «فخرالاسلام» یا «جدیدالاسلام ارومی» در یک خانواده مسیحی در ارومیه متولد شد و به سلک روحانیت کلیسای نسطوریان آسوری درآمد. پس از تحصیل در مدارس ارومیه و واتیکان، از فضلا و کشیشان آنها شد. او پس از جستجو از حقیقت دین، موفق به قبول

شده است (کیرانوی، ۱۴۱۳: ۸۲۰، ۸۳۰ و ۹۱۵). عمده ابتکارهای مرحوم فخرالاسلام در کتاب *انیس‌الاعلام* به قرار زیر است: ۱- ترجمه دقیق متن *اظهارالحق*: اغلاط، اختلافات، تحریفات و بشارات و عهدین و ...؛ ۲- جابه‌جا کردن فصول متن اصلی به سلیقه خود؛ ۳- افزودن یا کاستن مطالبی در ضمن مباحث و فصول مستقل؛ ۴- دادن صبغه شیعی به کتاب؛ ۵- حذف یا تغییر برخی از شواهد دال بر مؤلف اصلی؛ ۶- اضافه کردن ترجمه سریانی آیات کتاب مقدس، به ویژه عهد جدید، طبق تصور مسلمانان که زبان انجیل را سریانی می‌دانسته‌اند (توفیقی، ۱۳۸۲: ۴۱).

*انیس‌الاعلام* چندین بار چاپ شده و آخرین چاپ آن در هشت مجلد با مقدمه و تنظیم و پاورقی سید عبدالرحیم خلخالی توسط انتشارات مرتضوی بوده است. با توجه به شهرت این کتاب و در دسترس بودنش بیش از این به معرفی این اثر نمی‌پردازیم.

۱- ۲. *برهان‌المسلمین*، بی‌جا، بی‌نا، ۱۳۱۲ق، فارسی، ابعاد ۱۶/۵×۱۰، جیبی، ۶۴ صفحه.

فخرالاسلام، *برهان‌المسلمین* را در رمضان ۱۳۱۲ق. در دارالخلافه طهران برای اطلاع عامه مردم تحریر نموده است (فخرالاسلام، ۱۳۱۲: ۲). موضوع کتاب، مناظره فخرالاسلام و جمعی از دوستانش با روحانیان پروتستان؛ به ویژه قسیس وارد ینکی دنیائی (وارد صاحب) و فاطر [فادر=پدر] صاحب است (همان: ۶۰).

این مناظره در شش مسأله اختلافی کلی صورت پذیرفته است: ۱- تحریف کتب عهدین؛ ۲- نداشتن سند متصل به مصنفین؛ ۳- منسوخ بودن آنها؛ ۴- عقیده توحید مسلمانان و تثلیث مسیحیان؛ ۵- نبوت خاتم‌الانبیا محمد بن عبدالله (ص)؛ ۶- مسلمین قرآن مجید را کلام خدا می‌دانند؛ حال آنکه نصارا کلام خود حضرت خاتم‌الانبیا (ص) می‌دانند.

دین مقدس اسلام شد و مذهب شیعه امامیه را پذیرفت. خود او می‌گوید: «شخصی بودم از علمای اهل کتاب و مرا در جاهلیت رأبی موشی (بن رأبی یوحنا بن رأبی ورده بن رأبی شموئیل) می‌گفتند. ابا عن جد ریاست و روحانیت بر مسیحیان داشتیم. بعد از تتبع در ادیان این حقیر به شرف اسلام مشرف شدم و مسمی به محمد صادق فخرالاسلام شدم.» (فخرالاسلام، ۱۳۵۱: ۵۴؛ همو، ۱۳۵۱: ۲۱-۲۶). پس از آن ۱۶ سال در نجف تحصیل کرد و با اخذ درجه اجتهاد به ایران بازگشت. فخرالاسلام، در اثبات حقانیت اسلام و رد بر نصارا چندین اثر از خود به یادگار گذاشت و سرانجام در حدود سال ۱۳۳۰ق/۱۲۹۱ش. در تهران به ابدیت پیوست و پیکرش در امامزاده عبدالله (ع) شهر ری به خاک سپرده شد (دانش‌فروز، ۱۳۸۱: ۴۰۰-۳۹۹؛ رامیان، ۱۳۴۴: ۳۴۳-۳۴۲؛ آقابزرگ، ۱۴۰۸: ۱۰۲-۱۰۱). از آثار ایشان می‌توان به *انیس‌الاعلام فی نصره‌الاسلام*، *برهان‌المسلمین*، *بیان‌الحق و الصدق‌المطلق*، *تعجیزالمسیحیین*، *خلاصه‌الكلام فی افتخارالاسلام*، و *جوب‌الحجاب و حرمة شرب‌الخمر و ...* اشاره کرد:

۱- ۱. *انیس‌الاعلام فی نصره‌الاسلام*، ۸ جلد، تنظیم و پاورقی سید عبدالرحیم خلخالی، تهران: مرتضوی، ۱۳۵۱ش.

*انیس‌الاعلام* کتابی کلامی به زبان فارسی است که در برتری و حقانیت اسلام بر دیگر ادیان با استناد به آیات کتاب مقدس درباره پیش‌بینی ظهور پیغمبر اسلام (ص) است. تقریباً همه مباحث مربوط به مسیحیت در این اثر از کتاب *اظهارالحق* رحمت‌الله هندی اقتباس شده است. کار رحمت‌الله از لحاظ روشمندی و گیرایی و تأثیر نقل آن از ادبیات کلامی و تاریخی مسیحیت در بین محققان جهان اسلام بی‌نظیر است ( 231 (Powell, 1993)؛ به طوری که ردیه‌نگاران بعدی مطالب بسیاری از آن نقل کرده‌اند. *اظهارالحق* در سال ۱۲۸۰ق به زبان عربی تألیف

استدلال‌های فخرالاسلام در مورد تحریف کتاب مقدس و ارائه شواهد (متی: ۱/ ۱۷ و ۱۱) و بررسی دقیق آنها از جهات گوناگون، قسیس را وادار به گفتن عبارت «من نمی‌دانم» می‌کند (برهان: ۸-۱۱). او پس از بیان افتراهای اناجیل به عیسی (ع)، به دین اسلام و قرآن مباحث می‌کند که قرآن از اول تا آخر خطایی به عیسی (ع) و مادرش نسبت نمی‌دهد. سپس جریان ولادت مسیح را از قرآن (سوره مریم: ۳۵-۱۶) و اناجیل (متی: ۱۸/۱) می‌آورد (برهان: ۴۱-۵۲). وارد صاحب در مقابل ایرادات فخرالاسلام می‌گوید: «دیگر بس است! ما مباحثه نمی‌کنیم، استعفا دادیم» و همه مسلمانان حاضر از کثرت ذوق صدا را بلند می‌کنند که دین اسلام حق و ادیان دیگر باطل است. سپس مجلس متفرق می‌شود (همان: ۶۰-۵۹).

فخرالاسلام بعد از تألیف این کتاب و برای تأیید و تأکید مجدد بر موضوعات طرح شده در آن به نگارش کتاب تعجیزالمسیحین مبادرت ورزید (آقابزرگ، ج ۴: ۲۱۰).

۱-۳. بیان الحق و الصدق المطلق، بی‌تا، تهران: چاپ سنگی، فارسی، ج ۱، ۳۴۲ صفحه.

این کتاب که به نام الرد علی الهدایة نیز مشهور است در سال ۱۳۲۲ق/ ۱۹۰۴م. در ده جلد تألیف یافته که جلدهای اول و چهارم با هزینه صدراعظم، ملقب به اتابک میرزا علی اصغرخان و بعضی دیگر از تجار در سال ۱۳۲۴ق. به چاپ رسید و هشت مجلد دیگر چاپ نشده است (همان، ج ۳: ۱۸).

فخرالاسلام این اثر را در پاسخ به تألیفات علمای مسیحی بر ضد اسلام می‌نویسد. این تألیفات عبارتند از: مجلّدات اربعه الهدایة<sup>۳</sup> که جمعیت مستشرقین آمریکایی نوشته بودند؛ کتاب اباحت‌المجتهدین فی الاختلاف بین-النصاری و المسلمین نوشته نقولا یعقوب غبریل (مصر ۱۹۰۱م) و رساله عبدالسیح ابن اسحاق الکندی (مصر ۱۸۹۵م)؛ مقاله الاسلام تألیف جرج سیل<sup>۴</sup>؛ رساله

بیان‌المعتقدالصحيح فی صلب‌السیدالمسیح نوشته القس الارشیمندریت خریسطفور جبایش و غیره. او در جواب دادن به این ردیه‌ها در مجموع، نگارش این کتاب را به ده جلد می‌رساند (بیان‌الحق، ج ۱: ۵). فخرالاسلام برای نگارش این ردیه از منابع مطبوع خود مسیحی‌ها استفاده کرده و به جهت اشرافش بر زبان عبری از کتب عبری؛ به ویژه متون عبری کتاب مقدس و تفاسیر عبری آن بهره جسته است.

نویسنده ذکر معجزات و خوارق عادات انبیای سابق در قرآن مجید و احادیث شریفه و اقرار حضرت ختمی مرتبت (ص) به آن معجزات را دلیل نبوت صادق و معجزه داشتن ایشان تلقی می‌کند؛ چرا که اگر خود دارا نبود، هیچ یک از اینها را بیان نمی‌کرد (همان: ۷۰-۶۹).

همچنین، به برخی از صفات حسنه آن بزرگوار اشاره می‌کند؛ تا جایی که می‌گوید حتی فاندی که از اعدا عدو آن حضرت است، بر خرده‌بینی و مآل‌اندیشی آن حضرت اقرار کرده است (همان‌جا؛ فاندی، ۱۸۱۳: ۲۳۹). از قول کشیش عبدالسیح کندی در شعاع تابنده نیز چنین می‌آورد: «هیچ کس منکر این نیست که حضرت محمد (ص) شخص عاقل بافطانت بوده است» (بیان‌الحق، همان‌جا).

اثبات معراج جسمانی پیامبر اسلام (ص) با آوردن مشابه آن عقیده از کتاب مقدس (پیدایش، ۵/ ۲۴؛ پادشاهان دوم، ۲/ ۱۱ و ۱۲)، اثبات معجزه شق‌القمر با توجه به نقل‌های تاریخی و آیات و روایات (بیان‌الحق، ج ۱: ۱۳۰)، وجوه اعجاز قرآن و پاسخ به شبهات صاحب الهدایة، ذکر حال انبیاء در کتب عهدین، قضاوت و رویکرد عهدین نسبت به آنها و ... مباحث بعدی را تشکیل می‌دهند. پس از پاسخ دادن به ایرادات صاحب الهدایة، از این کتاب با عنوان الغوایه نام می‌برد.

۱-۴. خلاصه‌الكلام فی افتخارالاسلام، به انضمام و مقدمه میرزا ابوالفضل زاهدی قمی، قم: چاپخانه حکمت،

۱۳۳۰ق، چاپ دوم، فارسی، ۱۶۰صفحه.

فخرالاسلام این اثر را بنابر درخواست بعضی از علما و مردم؛ به ویژه مردم اصفهان پس از تألیف بیان‌الحق در موضوع امتیازات اسلام بر سایر ادیان به رشته تحریر درآورده و بنابر تصریح خود در ۲۸ جمادی‌الاول سال ۱۳۲۲ق. در منطقه سرفقات جی نزدیک امامزاده حسن تهران، نوشته است (خلاصه‌الكلام: ۳).

زاهدی قمی در مقدمه اشاره می‌کند که مسیحیان بعد از مبارزه در جنگ‌هایی مانند جنگ‌های صلیبی و شکست خوردن در آن نبردها رو به تبلیغ آوردند و دست به تألیف کتاب‌هایی چون سنجش حقیقت یا همان میزان‌الحق فاندز زدند. در چنین فضایی، علمایی از ایران و هند و ممالک دیگر جواب‌هایی قاطع نوشته‌اند که خلاصه‌الكلام نمونه‌ای از آنهاست. در ادامه نیز سبب و جریان اسلام‌آوردن فخرالاسلام را اظهار می‌دارد.

فخرالاسلام در قسمت نخست پس از توصیه به تحقیق در دین و مذمت تقلید، نتیجه می‌گیرد که انسان عاقل باید دین پیامبری را اطاعت کند که شروط نبوت و اوصاف رسالت در او مجتمع‌تر باشد؛ چه از متابعتش نجات و از مخالفتش هلاکت حاصل خواهد شد (همان: ۱۴). مؤلف با بیان عقیده مسلمانان و مسیحیان درباره معرفت خدای (همان: ۲۶)، نبوت و عصمت (همان: ۸۹) و معاد (همان: ۱۲۱) هر دو را در کفه ترازو قرار می‌دهد تا خواننده هر کدام را که به عقلش راست و درست آید، اختیار کند.

فخرالاسلام در این کتاب دو دین (اسلام و مسیحیت) را با ادله عقلی و نقلی (نقلی به معنای تحلیل و تدقیق متن مقدس) به دور از هر گونه تعصب معرفی می‌کند و قضاوت را به خود خواننده وا می‌گذارد که دین برتر را انتخاب کند (در مورد این کتاب همچنین ر.ک. آقا بزرگ، ج: ۷؛ ۲۳۲؛ امین، محسن، ج: ۹؛ ۳۶۷؛ مدرس تبریزی، ۱۳۷۴:

ج: ۴؛ ۳۰۲).

۱- ۵. رساله وجوب نقاب و حرمت شراب، تهران، دارالخلافت تهران: مطبوعه استادالماهر میرزا علی‌اصغر، چاپ سنگی، ۱۳۲۹ق/۱۲۹۰ش، جیبی، ۹۶ صفحه.

فخرالاسلام در نیمه نخست این اثر به استناد انجیل و قرآن از وجوب حجاب زنان دفاع می‌کند؛ و در نیمه دیگر به بحث درباره حرمت شراب می‌پردازد. این کتاب در قالب ردیه‌نویسی و پاسخ به شبهاتی است که در مورد حجاب، پس از مشروطیت در ایران به رواج اندیشه‌های جدید و نو، در میان مردم رواج داشته است. نیمه مربوط به حجاب خود مشتمل بر دو فصل است: فصل اول با طرح سؤالی در مورد حجاب از طرف «چند نفر ترک» شروع می‌شود و سپس مؤلف درباره «حجاب زنان در جمیع شرایع» با شواهدی (شش شاهد) از کتب مقدسه یهود و نصارا (قرن‌تین اول، ۱۱/ ۱۷-۱۴ و ۳/ ۳۴-۳۵؛ متی، ۵/ ۲۸-۲۷؛ تیموتاوس، ۲/ ۱۵-۹؛ پیدایش، ۲۰/ ۱۶ و ۲۴/ ۶۵-۶۴) و احادیث ایشان به صورت مبسوط و مشروح در مقام پاسخگویی به مخالفان حجاب برآمده است.

فصل دوم رساله، شامل احکام حجاب و نقاب از منظر قرآن مجید (نور: ۲۰ و ۲۱) و با ترجمه آیات از کتاب خلاصه‌المنهج فتح‌الله بن کاشانی (د: ۹۸۸ق) است. مؤلف خلاصه‌المنهج در ترجمه این آیات به احادیث و روایات ائمه (ع) و نیز به تفسیرهای معتبر مانند مجمع‌البیان، کنز‌العرفان، التبیان فی تفسیرالقرآن و ... استناد می‌کند.

او در بخشی از رساله، خلاصه دیدگاه مسیحیان و مسلمانان را در باب زن چنین بیان می‌دارد: زینت زن حیا و تقواست، نه طلا و مروارید. زن دینداری‌اش را با اعمال صالح به اثبات می‌رساند، نه تجارت و اختلاط با مردها. زن نباید مسلط بر شوهر شود: «الرجال قوامون علی النساء»؛ خدا اول آدم را آفرید، بعد حوا را؛ پس مرد همیشه باید مقدم باشد؛ آدم فریب شیطان را نخورد، بلکه حوا فریب

ادراک می‌داند. لذا این اثر را برای سنجیدن هرگونه میزان صحیح و سقیم و نشان دادن راه راست و مستقیم نگاشته است (میزان/المیزان، ص ۵-۴). شاید علت انتخاب این نام برای کتابش هم برآمده از عنوان کتاب *میزان‌الحق* باشد.

میزان نخستین در ده معیار درباره‌ی خداشناسی و توحید الهی بحث می‌کند. در این میان تناقض و تنافی آیات کتاب مقدس در مورد توحید الهی را بیان می‌کند (همان: ۸-۱۱). نویسنده استدلال‌هایش را در مورد ذات و معرفت الهی، ابتدا به تأسی از خطبه‌ی نخست *نهج‌البلاغه* به صورت فلسفی ارائه می‌دهد و پس از بیان پایه‌های استدلال، رویکردی عرفانی در پیش می‌گیرد و به متن خود صبغه‌ی عرفانی می‌بخشد؛ حتی در بین کلام خویش اشعار عرفانی فراوانی از شاعران؛ به ویژه از گلشن راز شیخ محمود شبستری می‌آورد.

میزان دوم در پیدا کردن دین حقیقی و شناختن راه راست از روی بصیرت و انصاف است (ص ۴۷-۵۰). میزان سوم کتاب نیز سخنان فاندر در *میزان‌الحق* را در موضوعات اختلافی بین اسلام و مسیحیت مورد سنجش قرار می‌دهد (ص ۲۹-۱۲۸).

معیار میزان چهارم بشارات و اشارات عهدین درباره‌ی حضرت محمد (ص) را ذکر می‌کند و در لابه‌لای آنها استدلال‌های فاندر و تأویل آن آیات را از طرف او رد می‌کند (ص ۱۴۶). معیار دهگانه‌ی میزان پنجم نیز معجزات و کرامات نبی اسلام (ص)، علوم و آموزه‌های قرآنی و رفع اشکال و ردّ نظریه‌های فاندر در این خصوص و شرف و حقانیت دین اسلام را بیان می‌دارد (ص ۲۱۴).

نویسنده در هیچ جای کتاب از فاندر اسم نمی‌برد؛ فقط عبارت «میزان‌الحق پروتستانی» را می‌آورد. شاید به همین دلیل در فهرست‌نویسی و کتاب‌شناسی این ردّیه منظور نویسنده را میزان‌الحق هنری مارتین دانسته‌اند؛ اما با تطبیق و بررسی شماره صفحات و مضمون مطالبی که

خورد؛ پس زن زود فریب می‌خورد. بنابراین، مطلوب حجاب و نقاب و سکونت در خانه است؛ نه زینت و کشف و مخالطه با مرد (جعفریان، ۱۳۸۶: ۶۹).

## ۲- حاج میرزا نجفعلی (نجفعلی) دانش تبریزی

*میزان‌الموازین فی امرالدین*، اسلامبول: مطبوعه عامره، ۱۲۸۸ق، فارسی، چاپ سنگی، ۲۹۵ صفحه.

میرزانجفعلی (نجفعلی) خان، متخلص به دانش (د. ۱۳۰۹ق)، ادیب و روزنامه‌نگار بود و در فقه و اصول و احادیث و اخبار اطلاع کامل داشت. دانش تبریزی معاصر با ناصرالدین شاه قاجار بود. او در ۱۲۷۳ق. از آذربایجان به استانبول رفت و با میرزا سنگلاخ (۱۲۹۴-۱۸۴ق) هم‌صحبت شده و اشعار شعرای آن عهد در مدح میرزا را جمع‌آوری کرد و با عنوان *مجمع‌الوصاف* به طبع رسانید. او تا ۱۳۰۳ق. مترجم ترکی سفارت ایران در استانبول بود. طی این مدت در سال ۱۲۹۲ق. روزنامه هفتگی *اختر* را تأسیس کرد و مدت بیست و یک سال آن را انتشار داد (آرین‌پور، ۱۳۷۲: ج ۱: ۲۵۰). دانش تبریزی در ۱۳۰۴ق. سمت سر کنسولی ایران در مصر را عهده‌دار شد تا اینکه در ۱۳۰۸ق. به تهران آمد و جزو صاحب‌منصبان وزارت خارجه شد و تا پایان عمر در همین سمت باقی ماند تا درگذشت. *مجمع‌الوصاف*، *مشکوٰۃ‌الحیات فی تفسیرالآیات* در تفسیر آیه «ذوالقرنین» و *میزان‌الموازین فی امرالدین*، در ردّ *میزان‌الحق* فاندر از آثار اوست (تربیت، ۱۳۷۸: ۲۲۷-۲۲۸؛ بامداد، ۱۳۸۴: ۷۲۶-۷۲۷)؛ اعتمادالسلطنه، بی تا: ۱۹۷-۱۹۸؛ مشار، بی تا: ج ۶: ۵۴۲-۵۴۳).

*میزان‌الموازین* از یک مقدمه و پنج میزان تشکیل و در ذیل هر میزان، ده معیار ذکر شده است. نویسنده سبب تألیف کتاب خویش را تألیفات جماعتی از مذهب عیسویان چون *میزان‌الحق* فاندر در اعتراض به اسلام و خواهش دوستانش برای جوابیه به آن و آگاهی صاحبان



جسارات پولس «مقدس‌النصاری» نسبت به ذات الهی، پاسخ به جسارات فاندر به حضرت ربوبیت در کتاب مفتاح‌الاسرار و غیره بررسی می‌شوند (ص ۱۱۰).

**مظلّمه دوم** نیز ظلم و جسارت مسیحیان به حضرت مسیح را بیان می‌کند. جسارت مسیحیان در خصوص نَسَب عیسی (مانند مرقس، باب ۱ و لوقا، باب ۳)؛ جسارت پولس به آن حضرت و سایر انبیا (غلاطیان، باب ۳)؛ نسبت ارتکاب فعل منکر به حضرت مسیح (افسیسیان، باب ۲؛ قرنتیان، باب‌های ۵ و ۶) در این مظلّمه مورد توجه نویسنده است (ص ۱۳۹-۱۴۱ و ۱۴۹).

**مظلّمه سوم** در بیان جسارت‌های مسیحیان به انجیل آسمانی است. موضوعات طرح شده عبارتند از: الهامی نبودن اناجیل با توجه به مضامین آنها (ص ۱۸۴-۱۹۷)؛ سند داشتن اناجیل و بیان اختلاف علمای مسیحی در صحت آنها (ص ۲۰۵-۲۱۳)؛ اثبات تحریفات واقعه در کتب مقدسه مسیحیان و ذکر شواهدی از کتب و تفاسیر علمای معتبر آنان (ص ۳۷-۲۳۵)؛ بیان تناقضات اناجیل در پنجاه مورد (ص ۴۳-۲۴۲). بیان اغلاط انجیل به واسطه گواهی تاریخی و استنباط از آیات دیگر (ص ۷۳-۲۵۷)؛ متی: ۲، ۱۲، ۲۷؛ مرقس: ۱۰؛ لوقا: ۱؛ یوحنا: ۱؛ ۱۱/۳؛ ۱۵؛ لوقا: ۱۲) بیان برخی از بشارات مندرجه در کتب عهدین و ...<sup>۶</sup>

این ردیه از حیث محتوا بسیار غنی است؛ به طوری که عمده مسائل اختلافی را آورده و به دور از هرگونه حاشیه‌پردازی به رد اعتقادات مسیحیان و کتاب میزان‌الحق فاندر پرداخته است.

#### ۴- غلام‌محسین توتونچی صراف تبریزی

از *آل‌الوساوس و الاوهام عن قدس ساحة الاسلام* (تألیف ۱۳۴۶ق)، تبریز: چاپخانه حقیقت، ۱۳۵۱ق، فارسی، وزیری، ۲ جلد، ج اول ۱/۶۶ ج دوم، ۱۹۸ صفحه.

میزان‌الموازين از میزان‌الحق نقل کرده است، آشکار شد که منظور نویسنده میزان‌الحق فاندر است.

#### ۳- یوسف مجتهد تبریزی

*لسان‌الحق فی اثبات مظالم‌المسیحیین*، تبریز، مطبعه اسکندری، ۱۳۳۶ق، فارسی، ۵۳۸ صفحه.

آیت‌الله میرزا یوسف مجتهد تبریزی (۱۳۳۷-۱۲۷۹ق)، عالم دینی، فقیه، و شاعر در تبریز به دنیا آمد. پس از فراگیری علوم عربی و منطق و ادبیات و قسمتی از اصول، در ۱۲۹۹ق. به نجف رفت. در ۱۳۱۱ق. به تبریز بازگشت و به نشر احکام اسلامی و تدریس و تألیف پرداخت. در پایان عمر، به قصد زیارت، به عتبات رفت و پس از ورود به کاظمین در سال ۱۳۳۷ق. درگذشت و در همانجا مدفون گردید. آثار او عبارت است از: *لسان‌الحق فی اثبات مظالم‌المسیحیین* در رد نصارا و تثلیث، کشف بعضی ما یعتقده *الکرامخه*.<sup>۵</sup> کتابی در اینکه ترجمه واقعی قرآن مجید به زبان‌های دیگر مقدور نیست، *ابتلاء‌الائمة*، دیوان شعر در مدح رسول اکرم (ص) و *ائمه اطهار (ع)* (آقابرگ، ج ۹: ۲۱۸ و ج ۱۸: ۳۰۲؛ واعظی خیابانی، بی تا: ۱۶-۱۱۴؛ خیام-پور، ۱۳۷۲: ۱۰۱۸؛ امین، حسن، ج ۳: ۳۱۹).

این کتاب متشکل از یک موعظه و سه مظلّمه و یک خاتمه است. هر مظلّمه بر هفت باب ترتیب یافته است. در قسمت موعظه همه انسان‌ها را به معرفت و عبادت خداوندی دعوت می‌کند و با ذکر برخی از انتقاداتش بر مسیحیت و بیان اشکالات آن، تأمل و غور در دین را لازم می‌داند. نویسنده این کتاب را واکنشی به فعالیت‌های فریبکارانه فرقه پروتستان مسیحیت و اقدامات فاندر و میزان‌الحق او می‌داند (ص ۲-۳).

**مظلّمه اول** درباره ظلم و جسارت مسیحیان نسبت به ذات اقدس الهی است. که در طی آن توحید خداوند متعال و طریق معرفت او، یکی ندانستن خداوند با مخلوق او و بیان اعتراض به نصارا در این مورد (ص ۲۳-۲۲)؛

غلامحسین توتونچی (۱۳۶۰-۱۲۹۰ق) فقیه و متکلم شیعی، در تبریز به دنیا آمد. وی پس از فراگیری مقدمات علوم در همانجا در سال ۱۳۱۴ق. برای تکمیل دانش‌های دینی خود به نجف رفت. در سال ۱۳۲۴ق. به زادگاهش بازگشت و به تدریس و تصنیف و ارشاد مردم روی آورد. از جمله آثار وی عبارتند از: ازالة‌الوسوس و الاوهام عن قدس ساحة الاسلام، بحرالفتاوى، الادلة العقلية، حاشیه بر مکاسب شیخ مرتضی انصاری، هداية الانام الى حقيقة الايمان و الاسلام (آقابزرگ، ج ۲۵: ۷۳-۱۷۲؛ کحاله، بی‌تا، ج ۴: ۱۸).

مؤلف در آغاز کتاب سبب تألیف این اثر را پاسخی به نوشته‌های علمای مسیحی مثل فاندرو و بعد از آن آثاری چون ینابیع‌الاسلام دانسته که در بلاد هند مطبوع و اشاعه یافته بود. لذا نویسنده در رد آن آثار و زدودن شبهه از عوام، رساله ازالة‌الوسوس و الاوهام عن قدس ساحة الاسلام را در دو جلد تألیف کرد. وی جلد اول بر اشتباهات و اشکالات قسیس فاندرو که اساس اشتباهات دیگران و منشأ گمراهی ایشان است، اشارتی می‌کند و فساد و غرابت کلمات او را روشن می‌سازد و در جلد دوم اشتباهات ینابیع‌الاسلام را رد و فساد آنها را روشن می‌کند (ازالة‌الوسوس، ج ۱: ۳-۶). این کتاب در دو جلد بوده که در یک مجلد گرد آمده است. مؤلف جلد اول کتاب خویش را به شرح موارد نقض کتاب مقدس اختصاص می‌دهد و در آخر آن بر فاندرو تعریض می‌دارد و بیت معروف: «ای مگس عرصه سیمرغ نه جولانگه توست / عرض خود می‌بری و زحمت ما می‌داری» را می‌آورد که در مقام منیع کتاب مبین محمدی (ص) جسارت ورزیدن و اکاذیب باطل آوردن و این همه افتضاح بار آوردن سبب زحمت شده است (ج ۱: ۶۶).

جلد دوم این کتاب نیز به بیان اشتباهات صاحب کتاب ینابیع‌الاسلام می‌پردازد. نویسنده کتاب ینابیع‌الاسلام

سن کلر تیزدال (Saint Clair Tisdall) از جمله مبلغان مسیحی است که در زمان مظفرالدین شاه به ایران آمد و در اصفهان با سید محمد داعی‌الاسلام (۱۳۳۰-۱۲۵۶ق) مناظره نمود. کتاب ینابیع‌الاسلام او با موضوع رد بر اسلام در مجموع پنج ینبوع است که مؤلف در هر ینبوعی، ریشه و منشأ اسلام و منابع قصص قرآنی را به زرتشتیان، اعراب جاهلیت قبل از اسلام، تورات و انجیل و ... مربوط می‌داند. این کتاب به سال ۱۸۹۹م. در لاهور چاپ و در سال ۱۹۰۵م. ترجمه انگلیسی آن منتشر شد. بر این رساله علاوه بر کتاب ازالة‌الوسوس توتونچی رذیه‌هایی نوشته شد که از آن میان می‌توان به ازالة‌الاهام فی جواب ینابیع الاسلام اثر احمد شاهرودی و رد ینابیع‌الاسلام عباسعلی شریف‌رازی اشاره کرد (علوی، ۱۳۷۳: ۳۵).

توتونچی در ازالة‌الوسوس از دیباچه ینابیع‌الاسلام شروع می‌کند و به اشکالات مطرح شده در آن پاسخ می‌دهد (ازالة‌الوسوس، ج ۲: ۱-۳). ایشان در هر بحثی ضمن جواب دادن به شبهه و رد آن، وجوه فساد کلمات قسیس را هم نمایان می‌سازد و با قرار دادن استدلال قسیس بر آیات کتاب مقدس، تناقضات به وجود آمده را هم می‌نویسد و توضیحات بیشتری ارائه می‌دهد (همان، ج ۲: ۴۸).

مطالب این اثر فقط شامل ازاله شبهات دو کتاب میزان‌الحق و ینابیع‌الاسلام است. می‌توان گفت که این دو کتاب مهمترین کتب ضد اسلامی رایج و شناخته شده بودند که عمده و اهم شبهات وارده مسیحیان در آنها گرد آمده بود.

##### ۵- حسین حسینی، متخلص به رومی میان‌دوآبی

الحق‌المبین، تاریخ کتابت و نشر ۱۳۰۷ق، نسخه خطی فارسی، وزیری، ابعاد ۱۷×۲۲، ۹۳ برگ.

این کتاب نیز در واکنش به فعالیت‌های مبلغان مسیحی نوشته شده است. مؤلف فعالیت این گروه را نه برای

در سال ۱۲۹۵ق. مشکوة‌المسلمین را تألیف کرده است (آقابزرگ، ۱۴۰۸: ج ۱: ۵۸؛ مشار، بی‌تا: ج ۱: ۶۰۸). در مقدمه کتاب چون در عهد مظفرالدین شاه طبع و نشر یافته است، از او تجلیل و تمجید فراوان آمده است.

قره‌باغی ابتدا به بیان اصل نبوت و تعریف کلی آن می‌پردازد؛ به این معنا که وجودی انسانی است که از جانب حق به سوی خلق مبعوث می‌شود و بدون نیاز به واسطه بشری از حق خبر می‌آورد. همچنین، او را شخصی شارع و عالم به قوانین الهی می‌داند که حق را آشکار می‌کند و بطلان باطل را بیان می‌دارد. در کل، باید راهنما و هادی بشر در تمام امور باشد (مشکوة‌المسلمین، ص ۱۰-۱۲). پس از بیان اینها به اثبات نبوت خاصه محمد مصطفی (ص) می‌پردازد. برای این منظور به ذکر پاره‌ای از معجزات آن حضرت مثل شق القمر، تسبیح شن و سنگ‌ریزه در کف دست ایشان، تکلم با پرندگان، سیر کردن افراد بسیار با طعام اندک، جاری شدن آب از بین انگشتان آن حضرت، خبردادن از غیب یا معجزات قبل از نبوتشان مثل شکستن ایوان کسری، خاموشی آتش در آتشکده ایران، سایه انداختن ابر بر ایشان، سلام کردن سنگ‌ها بر او و ... را می‌آورد. می‌گوید همه اینها به حد تواتر رسیده‌اند؛ حال آنکه معجزات سایر انبیایی مثل حضرت عیسی (ع) با وجود کمتر بودنشان به حد تواتر نرسیده‌اند (همان: ۱۹)

اعجاز قرآن و تصدیق نبوت انبیای پیشین در آن، مباحثه پیامبر اکرم (ص) با نصاری نجران و کناره‌گیری نصاری و قبول پرداخت جزیه را نیز از دیگر نشانه‌های حقانیت نبوت آن حضرت می‌داند (همان: ۲۷-۲۸). نویسنده برای وجوه اعجاز قرآن، خبر دادن از امور غیب مثل خبر غلبه روم بر ایران، اشمال آن بر اصول معارف حق و نکته‌های حکمی، اختلاف نداشتن فقرات و اسلوب آن به حسب لفظ و معنی و ... را می‌آورد.

دغدغه دینی؛ بلکه در جهت اهداف استعمار و ملت خودشان می‌داند (برگ ۲). وی این کتاب را به چهار سفر تقسیم‌بندی کرده است. البته، قبل از وارد شدن به شرح اسفار کتاب خویش، ابیاتی را در مدح ناصرالدین شاه و مظفرالدین شاه می‌آورد؛ چرا که در زمان حکومت این دو تن اقدام به کتابت نموده است (شروع تألیف در ۱۳۰۷ق). همچنین، از بعضی از امیران نظام مانند حسنعلی‌خان که مایه آسایش اهالی آذربایجان بوده و از حاجی کلانتر دارالسلطنه تبریز به نیکی یاد می‌کند (برگ ۵-۴). سفر اول: در این سفر به آیاتی از کتاب مقدس<sup>۷</sup> اشاره می‌کند که دال بر توحید هستند (برگ ۱۲-۹).

سفر دوم کتاب مشتمل بر دو فصل است: فصل اول در بیان کلمات و آیات متحرّفه کتب تورات و اناجیل فعلی یهود و نصارا است (برگ ۱۲). فصل دوم نیز در ردّ عقیده تثلیث و مسئله اقانیم ثلاثه است. در این زمینه با اشاره به ریشه‌های عهد عتیقی این مسأله و بیان آیاتی (پیدایش: ۳/ ۴ و ۵؛ ۲۶/۱؛ ۷/۱۱) در این مورد نتیجه می‌گیرد که عیسویان این‌گونه فقرات را برای تثلیث ادله قرار داده‌اند. سفر سوم نیز در اثبات مخلوقیت و نبوت عیسی (ع) و احتیاج ایشان به خداوند با استناد به رسایل حواریون و اناجیل<sup>۸</sup> است (برگ ۴۹-۴۶). سفر چهارم هم در اثبات نبوت خاتم‌الانبیا (ص) با استناد به آیات عهدین است<sup>۹</sup> علاوه بر این، به آمدن این بشارت در کتاب گمارا نیز اشاره می‌کند (برگ ۷۵-۵۱).

#### ۶- اسماعیل قره باغی

۶- ۱. مشکوة‌المسلمین فی اثبات نبوة خاتم النبیین و رسالته سید المرسلین، طهران، بی‌تا، ۱۳۲۰ق، ۱۶۸ صفحه، عربی، چاپ سربی.

نویسنده اسماعیل بن محمد جواد قراباغی (د. ۱۳۳۳ق)، متولد منطقه قراباغ و ساکن نجف بوده است. او از عالمان دینی بود که در دفاع از اسلام آثاری را نگاشته است. او

مؤلف به ده مورد از بشارات النبی در عهدین هم اشاره می‌کند. در ذکر آیات، اول عبارت عبری آنها را بیان می‌کند و سپس به فارسی ترجمه و آنگاه به عربی به توضیح آن آیات می‌پردازد. در ادامه به نسخه‌ها و ترجمه‌های کتاب مقدس می‌پردازد و از این طریق تحریف و تغییر آنها را با ذکر نمونه‌هایی بیان می‌کند.

قره‌باغی از تعدد زوجات نبی اکرم (ص) در مقابل ایرادات مسیحیان دفاع می‌کند و در ضمن آن تعدد زوجات انبیای پیشین مثل یعقوب، یوسف، داود، سلیمان و ابراهیم و ... را بیان می‌کند و ازدواج را امری نیک دانسته و در مقابل، رهبانیت در مسیحیت را مذمت می‌کند (همان: ۱۱۴-۱۱۵).

نویسنده در بعضی جاها به مناسبت مطلبی که می‌نویسد، در پاورقی و حتی داخل متن، بیتی از شاعران فارسی زبان نقل می‌کند. در جاهای مختلف از یک پادری نصرانی بدن ذکر اسم و کنابش هم یاد می‌کند که ردّ بر اسلام نوشته و در مقام جواب او برمی‌آید.

۶-۲. *ارشاد الکافرین و هدایة المسترشدين فی اثبات نبوة سيد المرسلين*

رساله *ارشاد الکافرین* به صورت کتاب مستقلی چاپ نشده؛ بلکه در ضمیمه *مشکوة المسلمین* آورده شده است. قره‌باغی پس از تألیف *مشکوة المسلمین* در سال ۱۳۱۸ق. آن را نگاشته است. در این رساله مخاطب خویش را عالمی از مسیحیان قرار می‌دهد و ضمن بیان مطالب کتاب او به ردّ آنها می‌پردازد. در اینجا از اسم و عنوان کتاب عالم مسیحی حرفی نمی‌زند؛ اما از عبارات نقل از او برمی‌آید که منظورش رساله هنری مارتین مسیحی است.

۷- *سید حسین عرب‌باغی*

۷-۱. *دلایل قرآنی در ردّ مقاله همدانی، رضائیه، ۱۳۴۵ق، ۱۶ص، فارسی، جیبی، تاریخ تألیف ۲۲ رجب ۱۳۴۵.*

سید حسین عرب‌باغی اورموی (۱۲۵۴-۱۳۲۹ش) در

روستای سعیدلوی ارومیه به دنیا آمد. او پس از هشت سال تحصیلات مقدماتی در ارومیه برای ادامه تحصیلاتش به مشهد و سپس به نجف اشرف روانه شد. پس از کسب درجه اجتهاد به ارومیه بازگشت و در مسجد جامع ارومیه نماز می‌گزارد. عرب‌باغی در سال ۱۳۲۹ش / ۱۳۶۹ق. در ۷۵ سالگی در ارومیه درگذشت و در همان شهر دفن گردید. مقبره او هم‌اینک در قبرستانی معروف به «آغا قبری» به زیارتگاه عمومی مردم ارومیه تبدیل شده است (دانش‌فروز، ۱۳۸۱: ۳۸۲؛ رامیان، ۱۳۴۴: ۲۱۷-۲۱۶؛ افشار سیستانی، ۱۳۶۹: ج ۲: ۷۳۵). از ایشان قریب به ۸۲ جلد کتاب به یادگار مانده است. مهمترین آنها عبارتند از: *مناهج امیرالمؤمنین، التبیان فی معانی القرآن، رساله حقوق-الاسلام، احکام الاسلام، سیاست الاسلام فی جواب الاخوان، اربعین در اربعین، تبصرة المؤمنین، دعائم الاسلام، دلایل قرآنی در رد مقاله همدانی و ... (عقلمند، ۱۳۸۵: ۱۷۷-۱۷۹؛ رامیان، ۱۳۴۴: ۲۱۶-۲۱۷). همچنین، کتاب طریق صواب در نجاست اهل کتاب هم از اوست که به چاپ سری رسیده است و در ادامه به آن خواهیم پرداخت.*

عرب‌باغی کتاب *دلایل قرآنی* را در ردّ مقاله میرزا اسماعیل، ناظم مدرسه آمریکایی همدان نوشته است. میرزا اسماعیل مقاله‌ای نوشته بود و در آن چند آیه‌ای از قرآن را شاهد آورده بود تا با استناد به آنها تحریف و تغییر کتب مقدسه مسیحیان را رد و مردمان را به تمسک به این کتب وادار کند. عرب‌باغی هم در واکنش به او با توجه به آنکه میرزا اسماعیل قرآن شریف را مدرک قرار می‌دهد، برای ردّ نظریات او به آیات قرآن استناد می‌کند. عرب‌باغی می‌نویسد که بنا به تصریح قرآن، حضرت موسی و عیسی فقط برای بنی اسرائیل پیغمبر بودند (اسراء، ۲؛ سجده، ۲۳؛ آل عمران، ۴۹-۴۸؛ صف، ۶). در مقابل، به تصریح قرآن مجید محمد (ص) بر تمام مردمان مبعوث شده است (اعراف، ۱۵۸؛ صف، ۹؛ فتح، ۲۸؛ توبه، ۳۳) و نبوت و

## ۸- علی آل اسحاق خوئینی

*آشنایی با مکتب وحی مسیحیت*، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۴۰۵/ق/۱۳۶۴ش، ۷۳۲صفحه.

آل اسحاق (۱۳۸۰-۱۳۱۸ش) در خوئین، از توابع زنجان، در یک خانواده مذهبی دیده به جهان گشود. پدر وی حاج شیخ عبدالکریم خوئینی، از عالمان بزرگ عصر خود در سال ۱۳۲۶ش. برای تدریس علوم اسلامی و سایر فعالیت‌ها به قم رفت. وی نیز با پدر به قم آمد و شروع به تحصیل کرد. وی در شانزده سالگی در سال ۱۳۳۴ش. به نجف اشرف رفت و در مدرسه آیت‌الله بروجردی دروس حوزه را تا رسیدن به مرحله اجتهاد ادامه داد. وی نماینده آیت‌الله حکیم و پس از ایشان نماینده امام خمینی (ره) در استان موصل عراق بود. پس از پیروزی انقلاب نیز در شهرهای مختلف ایران؛ به خصوص در مناطق سنی‌نشین به تبلیغ پرداخت و نقش مؤثری در تشکیل بسیج مردمی و ایجاد وحدت میان شیعه و سنی داشت.

آل اسحاق با مطالعه کتاب *الهدایة* تحقیق و بررسی متون اناجیل را وجهه همت خود قرار می‌دهد. سبب نگارش خود را بیان برائت حضرت مسیح و مسیحیت واقعی از مسیحیان همدست با صهیونیست‌ها و ظلم و ستم ناشی از این همدستی می‌داند (ص ۱۹-۲۰). نویسنده در بخش اول این ردیه با تطبیق تعالیم و آموزه‌های دیگر ادیان و مذاهب قبل از مسیحیت با تعالیم مسیحیت، اخذ آن تعالیم توسط مسیحیان و اشتراکات موجود در آنها را بیان می‌کند (ص ۱۳۹). او در پی معرفی مسیحیتی است که تماماً ساخته و پرداخته پولس است و موضوعاتی چون اختلاف اناجیل، شخصیت عیسی (ع)، علت جدایی بین پولس و برنابا، موضوع ختنه، بدعت‌های پولس، قربانی گناه، قیامت مردگان، قضیه صلیب و غیره را به دقت بررسی می‌کند (ص ۳۸-۲۳۱).

بخش دوم کتاب به کتاب مقدس اختصاص دارد. در این

رسالت در او ختم شده و دین حق آن حضرت ناسخ تمام ادیان است (دلایل، ص ۳-۴).

نویسنده می‌گوید که به تصریح قرآن، یهود و نصارا آیات را تحریف کردند و با این کار دین خود را به دنیایشان فروختند و کسب مال دنیا نمودند (نساء / ۴۶؛ مائده / ۷۰؛ بقره / ۷۵). علاوه بر این آیات، به طرز عقل هم ثابت است؛ زیرا تورات و انجیل نازل شده بر آن حضرات در آن زمان احکام و فرمان خداوند عالمیان بوده است؛ حال آنکه تورات و انجیل فعلی تاریخ و وقایع و اتفاقات زمان حضرت موسی و عیسی است و یک کتاب آسمانی بوده؛ ولی حالا چندین کتاب جمع و تدوین شده است (ص ۱۳-۱۲).

۷- ۲. *طریق صواب در نجاست اهل کتاب*، تهران، چاپخانه علمی، ۱۳۶۶ق، چاپ سربی، ۱۲۳صفحه.

عرب‌باغی در این کتاب سعی می‌کند از جهات گوناگون نجاست اهل کتاب را اثبات کند (طریق صواب: ۲). ابتدا با ارائه تعریفی از نجاست و اطلاق آن بر افراد مشرک، آیات قرآنی دال بر شرک اهل کتاب را از سوره‌های مریم، مائده، براءت، نساء، بقره، مؤمنون و ... ذکر می‌کند (ص ۳-۲۷). پس از ذکر آیات، احادیثی از کتبی چون کافی، تهذیب، صحیح مسلم، تحف العقول و ... (ص ۴۱-۲۹)؛ کلام علمایی چون شیخ مفید، شیخ طوسی، شهید اول، شهید ثانی، محقق بحرانی و ... را در مورد این مسأله بیان می‌دارد (ص ۴۲-۴۷).

با توجه به اینکه دستاویز عمده برای مشرک قلمداد کردن مسیحیان، مسأله تثلیث است، نویسنده در این مورد به سخن کسانی از قائلان به این مسأله در مسیحیت اشاره می‌کند (ص ۵۰-۷۳). بنابراین نویسنده در این اثر رویکردی فقهی نسبت به یهود و مسیحیت دارد و به همین علت، برخورد و تعامل با آنها را به دلیل مسأله فقهی و نجاست آنها، جایز نمی‌داند.

بخش ضمن گزارش کلی از عهدین، آرای دانشمندان و علمای مسیحی را در مورد نگارش و تاریخ و آموزه‌های کتاب مقدس بیان می‌دارد (ص ۳۵۱).

مؤلف ضمن پرداختن به شخصیت برنابا و انجیل برنابا، او را یکی از پیشگامان در دیانت عیسی (ع) و یکی از شاگردان هفتاد نفری می‌داند که آن حضرت معرفی می‌کند. همچنین، قضاوت‌های متناقض کتاب مقدس در مورد ایشان (ص ۳۴-۴۳۰) و اشتراکات انجیل برنابا را با آیات قرآنی نشان می‌دهد (ص ۴۶۱).

#### نتیجه

علمای آذربایجان در روند شکل‌گیری آثار بر مسیحیت و فعالیت میسیونرهای آن تألیفات فراوانی برجای نهادند. از این رو، به پر بار کردن این نوع آثار کمک شایانی کرده‌اند. این‌گونه واکنش‌ها و فعالیت‌ها نمایانگر بیداری دینی و علمی و روشنگری علمای این خطه است که در مقابل هجوم‌های استعمار و تبشیری قد علم کرده و ضمن ایجاد خلل در برنامه‌های ایشان موجب آگاهی و بیداری مردم در برابر خطرات فعالیت آنها شده‌اند.

موقعیت جغرافیایی حوزه آذربایجان و به تبع آن تعامل و برخورد با مسیحیان کشورهای مجاور، وجود هیأت‌های تبلیغی متعدد و فعال در این حوزه، پیدایی صنعت چاپ برای اولین بار در این منطقه، وجود شخصیت برجسته‌ای چون محمدصادق فخرالاسلام، حمایت بعضی از حکام و ... از عواملی بودند که زمینه بروز این آثار را موجب شده‌اند. تألیف کتاب میزان‌الحق توسط فاندر و فعالیت تبلیغی او در این حوزه نیز موجهی از تألیف ردیه بر مسیحیت را موجب گردید؛ به طوری که تعدادی از ردیه‌های معرفی شده در نوشتار حاضر به رد این کتاب پرداخته‌اند. همچنین، دانشمندان آذربایجان به دیگر آثار تألیف شده در هند و سایر سرزمین‌ها هم نظر داشتند و درصدد پاسخگویی به شبهات طرح شده در آنها برمی-

آمدند. با بررسی زمان نگارش این ردیه‌ها در ۱۵۰ سال اخیر می‌توان دریافت که اوج این‌ها در در دهه‌های اول این برهه تاریخی است. به عبارتی، با فعالیت شدید مبلغان مسیحی و تألیف آثار ردیه‌ای از طرف آنها متقابلاً واکنش و فعالیت قولی و قلمی متکلمان مسلمان هم بیشتر می‌شود و با فعالیت کم‌رنگ مبلغان، فعالیت علمای اسلامی نیز کاهش پیدا می‌کند؛ که این خود روحیه تدافعی و نه تهاجمی دین اسلام را نمایان می‌سازد.

#### پی‌نوشت

- ۱- فرقه‌های کرملی، آگوستینی، فرانسیسکن، دومینیکن، کاپوسن و یسوعیان فعالیت داشتند.
- ۲- فاندر میزان‌الحق را نخست (۱۸۲۹م) به زبان آلمانی نوشته بود. کتاب این روحانی پروتستان در سال ۱۸۳۱م. به ارمنی ترجمه شد. آنگاه در سال ۱۸۳۵م. به فارسی، در ۱۸۴۰ به اردو، در ۱۸۶۲ به ترکی و در ۱۸۶۳م. به عربی نیز برگردانده شد (از برخورد تا گفتگو (مقالاتی درباره مناسبات اسلام و مسیحیت)، ص ۲۲۸).
- ۳- الهادیه را از حیث مطالب می‌توان شرح و توضیح میزان‌الحق فاندر دانست.
- ۴- کتاب مقاله فی الاسلام به انگلیسی بوده و شخصی به نام هاشم آن را به عربی ترجمه کرده است. این کتاب به وسیله «جمعیه الهادیه» در مصر منتشر شد. مرحوم محمدجواد بلاغی در کتاب پرارزش الهدی الی دین المصطفی پرده از سستی موهومات آن برداشته است (آریان: ۱۶۱).
- ۵- نام دیگر فرقه کریمخانیه و طرفداران محمدکریم خان کرمانی (۱۲۸۸-۱۲۲۵ق) که به شیخیه کرمانیه معروف‌اند.
- ۶- بشاراتی مانند: مزامیر داود نبی: ۴۵ (در بیان بشارت حضرت خاتم‌الانبیا و امامت اوصیای دوازده‌گانه ایشان است)؛ سفر تکوین: ۱۷ / ۲۰؛ مزامیر: ۱۴۹ (اشاره به حضرت امیرالمؤمنین و شمشیر او)؛ مزامیر: ۷۲، اشاره به

- دارالتعارف.
- ۸- امین، محسن. (۱۴۰۶ق). *اعیان‌الشیعه*، تحقیق حسن امین، بیروت: دارالتعارف.
- ۹- بامداد، مهدی. (۱۳۸۴ش). *شرح حال رجال ایران در قرن ۱۲ و ۱۳ و ۱۴*، تلخیص ذبیح‌الله علی‌زاده اشکوری، فردوس، تهران: فردوس.
- ۱۰- [بی‌نا]. (۱۳۸۳ش). *از برخورد تا گفتگو (مقالاتی درباره مناسبات اسلام و مسیحیت)*، مترجم: حمیدرضا شریعتمداری، تهران: لوح فکر.
- ۱۱- پاسدروماجیان، هراند. (۱۳۷۷ش). *تاریخ ارمنستان*، مترجم: محمد قاضی، بی‌جا: زرین.
- ۱۲- تربیت، محمدعلی. (۱۳۷۸ش). *دانشمندان آذربایجان*، به کوشش غلامرضا طباطبایی مجد، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- ۱۳- تهرانی، آقابزرگ. (۱۴۰۸ق). *الذریعه الی تصانیف الشیعه*، قم: مؤسسه اسماعیلیان.
- ۱۴- توتونچی صراف، غلامحسین. (۱۳۵۱ق). *ازالۀ‌الوسوس و الاوهام عن قدس ساحة‌الاسلام*، تبریز: حقیقت.
- ۱۵- توفیقی، حسین. (پاییز ۱۳۸۲ش). «فخرالاسلام»، هفت آسمان، ش ۱۹.
- ۱۶- ثواقب، جهانبخش. (۱۳۷۹ش). *نگرش تاریخی بر رویارویی غرب با اسلام*، قم: بوستان کتاب.
- ۱۷- جعفریان، رسول. (۱۳۸۶ش). *رسائل حجابه: شصت سال تلاش علمی در برابر بدعت کشف حجاب*، قم: دلیل ما.
- ۱۸- جلالی‌مقدم، مسعود. (بی‌تا). «آسوریان»، *دائرة‌المعارف بزرگ اسلامی*، ج ۱.
- ۱۹- حسینی (متخلص به رومی میانداوبی)، حسین. (۱۳۰۷ق). *الحق‌المبین*، تاریخ کتابت و نشر، نسخه خطی فارسی.
- ۲۰- خیام‌پور، عبدالرسول. (۱۳۷۲ش). *فرهنگ سخنوران*، تهران: طلایه.
- ۲۱- دانش تبریزی، نجفعلی. (۱۲۸۸ق). *میزان‌الموازین فی*

- حضرت امام عصر (عج)؛ تثنیه: ۳۳ / ۲؛ کتاب حقیق: ۳ / ۳-۸ و ...
- ۷- خروج: ۳ / ۲۰ و ۳۳ / ۲۰؛ تثنیه: ۱۰ / ۱۷؛ اشعیا: ۴۳ / ۱۱ و ۱۰، ۴۴ / ۸؛ مزامیر: ۳۱ / ۱۸ و ۳ / ۹۵؛ دانیال: ۴ / ۳۵ و ۳۴؛ هوشع: ۱۳ / ۴؛ متی: ۴ / ۱۰ و ۱۲ / ۱۷؛ مرقس: ۱۲ / ۲۹؛ لوقا: ۱۸ / ۹؛ یوحنا: ۱۸ / ۱۷ و ۱۷؛ اعمال رسولان: ۱۷ / ۲۵ و ۲۴؛ اول قرنتیان: ۸ / ۴؛ مکاشفات یوحنا: باب اول ...
- ۸- متی: ۳ / ۱۳؛ ۴ / ۱؛ ۷ / ۲۱؛ ۵ / ۲۴؛ ۱۴ / ۲۳؛ ۲۰ / ۲۳؛ ۱۰ / ۲۳؛ مرقس: ۱۳ / ۳۲؛ ۱ / ۳۵؛ ۱۰ / ۶؛ لوقا: ۲۲ / ۴۴؛ یوحنا: ۴ / ۳۴؛ ۸ / ۲۹؛ ۱۰ / ۳۹؛ رومیان: ۱۴ / ۸؛ اول قرنتیان: ۱۱ / ۳ و ...
- ۹- تثنیه: ۲۱ / ۱۸-۱۵؛ ۱۸ / ۱۵؛ ۳۲ / ۲؛ دانیال: ۸ / ۱۱ و ۱۲؛ مزامیر: ۴۵ و ۱۴۹؛ اشعیا: ۲۱ / ۶ و ۷ و ۸ / ۴۱-۵؛ ۴۲ / ۲۴-۹؛ ۲۱-۸ / ۴۲؛ دانیال: ۸ / ۱۱ و ۱۲ / ۱؛ زکریا: ۴ / ۱۲ تا آخر؛ ملاکی: ۴ / ۱ تا آخر؛ متی: ۱۰ / ۷؛ مرقس: ۲۲ / ۳؛ یوحنا: ۶ / ۷-۶؛ ۱ / ۲۱.

### منابع

- ۱- آدمیت، فریدون. (۱۳۵۴ش). *امیرکبیر و ایران*، تهران: خوارزمی.
- ۲- آریان، قمر. (۱۳۶۹ش). *چهره مسیح در ادبیات فارسی*، تهران: معین.
- ۳- آراین‌پور، یحیی. (۱۳۷۲ش). *از صبا تا نیما، تاریخ ۱۵۰ سال ادب فارسی*، تهران: زوار.
- ۴- اعتمادالسلطنه، محمدحسن خان. (بی‌تا). *المآثر و الآثار*، تهران: کتابخانه سنایی.
- ۵- افشار سیستانی، ایرج. (۱۳۶۹ش). *نگاهی به آذربایجان غربی*، تهران: مؤسسه انتشاراتی و آموزشی نسل دانش.
- ۶- آل‌اسحاق خوئینی، علی. (۱۴۰۵ه. ق / ۱۳۶۴ش). *آشنایی با مکتب وحی مسیحیت*، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
- ۷- امین، حسن. (۱۴۰۹ق). *مستدرکات اعیان‌الشیعه*، بیروت:

- ۳۴- امرالدین، اسلامبول: مطبوعه عامره، چاپ سنگی. \_\_\_\_\_ (۱۳۱۲ق). *برهان المسلمین*، بی‌جا.
- ۲۲- دانش فروز، غلامرضا (۱۳۸۱ش). *تذکره شبگرد (معاریف علم و ادب و هنر آذربایجان از آغاز تا به امروز)*، ارومیه، ادیبان.
- ۲۳- دیباج، اسماعیل (۱۳۴۵ش). *آثار باستانی و اینیه تاریخی آذربایجان*، تهران: انتشارات شورای مرکزی جشن شاهنشاهی ایران.
- ۲۴- رامیان، محمود، تکش، علاءالدین و تمدن، محمد (۱۳۴۴ش). *بزرگان و سخن سرایان آذربایجان غربی*، تهران: مهرآئین.
- ۲۵- عرب‌باغی، حسین (۱۳۶۶ق). *طریق صواب در نجاست اهل کتاب*، تهران: علمی.
- ۲۶- \_\_\_\_\_ (۱۳۴۵ق). *دلایل قرآنی در رد مقاله همدانی*، رضائیه: بی‌نا.
- ۲۷- عقلمند، پرویز، و علی قاسمی (۱۳۸۵ش). *مشاهیر علمی و فرهنگی آذربایجان غربی*، تهران: بی‌نا.
- ۲۸- علوی، سیداحمد (۱۳۷۳ش). *مصقل صفا، مقدمه حامد ناجی اصفهانی*، قم: جمال‌الدین میردامادی.
- ۲۹- فاندر، کارل گوتلیب (۱۸۱۳م). *میزان‌الحق*، نسخه مطبوعه لندن.
- ۳۰- فخرالاسلام، محمدصادق (۱۳۵۱ش). *انیس‌الاعلام فی نصره‌الاسلام*، تنظیم و پاورقی عبدالرحیم خلخالی، تهران: مرتضوی.
- ۳۱- \_\_\_\_\_ (بی‌تا). *بیان‌الحق و الصدق- المطلق*، تهران: چاپ سنگی.
- ۳۲- \_\_\_\_\_ (۱۳۳۰ق). *خلاصه‌الكلام فی افتخارالاسلام*، به انضمام و مقدمه حاج میرزا ابوالفضل زاهدی قمی، قم: چاپخانه حکمت.
- ۳۳- \_\_\_\_\_ (بی‌تا). *رساله وجوب نقاب و حرمت شراب*، تهران، مطبوعه استاد الماهر میرزا علی‌اصغر، ۱۳۲۹ق، چاپ سنگی.
- ۳۵- فیلد، هنری (۱۳۴۲ش). *مردم‌شناسی ایران*، ترجمه عبدالله فریار، تهران: ابن‌سینا.
- ۳۶- کحاله، عمررضا (بی‌تا). *معجم‌المؤلفین*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- ۳۷- کیرانوی، رحمت الله (۱۴۱۳ق). *اظهارالحق*، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- ۳۸- مجتهد تبریزی، یوسف (۱۳۳۶ق). *لسان‌الحق فی اثبات مظالم‌المسیحین*، تبریز: مطبوعه اسکندری.
- ۳۹- مدرس تبریزی، محمدعلی (۱۳۷۴ش). *ریحانة‌الادب*، تبریز: خیام.
- ۴۰- مشار، خان‌بابا (بی‌تا). *مؤلفین کتب چاپی فارسی و عربی*، بی‌جا.
- ۴۱- مشکور، محمدجواد (۱۳۴۹ش). *نظری به تاریخ آذربایجان و آثار باستانی و جمعیت شناسی آن*، تهران: انجمن آثار ملی.
- ۴۲- منشی‌امیر، رابی (۱۳۶۰ش). *تاریخ آشور*، تهران: ایلوانا.
- ۴۳- منصوری، فیروز (۱۳۸۷ش). *مطالعاتی درباره تاریخ، زبان و فرهنگ آذربایجان*، تهران: هزار کرمان.
- ۴۴- نوایی، عبدالحسین (۱۴۰۸ق). *ایران و جهان از مغول تا قاجاریه*، تهران: مؤسسه نشر هما.
- ۴۵- واعظی خیابانی تبریزی (بی‌تا). *محمدعلی، علمای معاصرین*، تهران: کتابفروشی اسلامییه.
- ۴۶- والد بورگر، آندراس (۱۳۷۹ش). *مبلغان آلمانی در ایران*، ترجمه علی رحمانی و دیگران، تهران: وزارت امور خارجه.
- 47- Powell, Avirl Ann. (1993). *Muslims and Missionaries in Pre-mutiny India*, London studies on asia, Richmond, surrey: corzon press.
- 48- Waterfield, Robin. (1973). *E Christians in Persia*, London, George Allen& Unwin.